

واکاوی شخصیت‌های خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریهٔ مارتین سلیگمن

مریم ذاکری، کامران پاشایی فخری*، پروانه عادل‌زاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

آذر ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۱، صص ۱۱۹-۹۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.7144

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: اهداف علم روانشناسی در گذشته تمرکز بر بیماریها و راههای درمان آنها بوده است؛ اما در حدود دو دههٔ پیش شاخه‌ای از روانشناسی به نام روانشناسی مثبت‌نگر با هدف تأکید بر فضایل ششگانهٔ اخلاقی مانند خرد، شجاعت، عدالت، میانه‌روی، عشق و رأفت، استعلا، رهبری و غیره مورد توجه قرار گرفت. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل فضایل و توانمندیهای شخصیت‌های منظومهٔ خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریهٔ روانشناسی مثبت‌نگر میباشد.

روش مطالعه: این پژوهش با روش تحلیل محتوا به تبیین فضایل و توانمندیهای شخصیتی در اشخاص داستان خسرو و شیرین پرداخته است.

یافته‌ها: خسرو و شیرین یکی از منظومه‌های خمسه نظامی است و اشخاص این منظومه دارای فضایل و قابلیت‌هایی هستند که شناخت این فضایل و توانمندیها میتواند در واکاوی شخصیت‌های این داستان تأثیر بسزایی داشته باشد.

نتیجه‌گیری: در این داستان، رابطهٔ عشق متقابل، ملموس است. خسرو با اینکه از ابتدا با نگاه کامجویی وارد این رابطهٔ عاشقانه میشود، با تأکید بر توانمندیهای دلیری، مهربانی، درک زیباییها و غیره به فضایل شجاعت، عشق، استعلا و غیره دست مییابد و سیر تکاملی را در شخصیت او میبینیم. شیرین نیز با تقویت توانمندیهای چون خودکنترلی، فروتنی، و بخشش به همه فضایل نائل میشود و به تعالی میرسد.

تاریخ دریافت: ۱۵ آذر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۸ دی ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۱۵ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

خسرو و شیرین، نظامی گنجوی، روانشناسی مثبت‌نگر، مارتین سلیگمن.

* نویسنده مسئول:

pashaei@iaut.ir

۳۱۹۶۶۰۰۰ (۰۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analyzing the personalities of Khosrow and Shirin Nizami based on the theory of Martin Seligman

M. Zakari, K. Pashei Fakhri*, P. Adelzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 december 2022

Reviewed: 08 January 2023

Revised: 04 February 2023

Accepted: 11 March 2023

KEYWORDS

Khosrow and Shirin, Nizami Ganjavi, positive psychology, Martin Seligman.

*Corresponding Author

✉ pashaei@iaut.ir

☎ (+41) 31966000

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The goals of psychology in the past have been to focus on diseases and their treatment methods; However, about two decades ago, a branch of psychology called positive psychology with the aim of emphasizing six moral virtues such as wisdom, courage, justice, moderation, love and kindness, transcendence, leadership, etc. was taken into consideration. The purpose of this research is to identify and analyze the virtues and abilities of the characters of Khosrow and Shirin Nizami based on the theory of positive psychology.

METHODOLOGY: This research, using the content analysis method, has explained the virtues and abilities of the characters in the story of Khosrow and Shirin.

FINDINGS: Khosrow and Shirin is one of the systems of Khamsa Nizami, and the people of this system have virtues and capabilities that knowing these virtues and capabilities can have a significant impact on the analysis of the characters of this story.

CONCLUSION: In this story, the relationship of mutual love is tangible. Although Khosrow enters this romantic relationship from the beginning with a selfish view, he achieves the virtues of courage, love, transcendence, etc. by emphasizing the abilities of courage, kindness, understanding beauty, etc., and we see the evolution in his character. Shirin also achieves all virtues by strengthening abilities such as self-control, humility, and forgiveness.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.7144](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.7144)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 2

مقدمه

روانشناسی به شکل عام آن تاریخچه‌ای طولانی دارد؛ اما بعنوان یک علم خاص از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم مطرح شد که در این دوره بیشتر تلاش روانشناسان بر درمان کمبودها و رفع ناتوانیهای انسان متمرکز بود. در این زمان اختلالات روانشناسی بیماران را تشخیص میدادند و به مداوای آن میپرداختند؛ اما از ابتدای قرن بیستویک شاخه‌ای از علم روانشناسی به نام روانشناسی مثبت‌نگر ابداع شد. توانمندیهای روانشناسی مثبت‌نگر که توسط مارتین سلیگمن در حدود دو دههٔ پیش مطرح شد، روشی است که موجب لذت واقعی در زندگی میشود و تجربهٔ کامل احساسات را فراهم میکند؛ همچنین بر کشف و به‌کارگیری تواناییهای انسان برای برقراری ارتباط کامل با زندگی و تجربهٔ رضایت واقعی در زندگی تمرکز دارد و هدف آن، نگاه به جنبهٔ مثبت وجود بشر است. «روانشناسی مثبت به شناسایی عاملهایی میپردازد که سلامت را افزایش میدهند و مأموریتش این است که نتیجه‌گیری را دربارهٔ آنچه که میتواند دنیای بهتری بسازد، به جای توسل به عقاید و معانی بیان، بر علم پایه‌گذاری کند» (کار، ۱۳۹۱: ۲۶). «روانشناسی مثبت، روی سه موضوع مرتبط با هم مطالعه میکند: مطالعهٔ تجارب ذهنی مثبت، مطالعهٔ صفات فردی مثبت و مطالعهٔ مؤسسات و سازمانهایی که تحقق تجارب و صفات مثبت را فراهم میکنند» (سلیگمن و پیترسون، ۱۳۹۵: ۲۱). مارتین سلیگمن به همراه کریستوفر پیترسون دریافت که شش فضیلت همه جا حاضر خرد، شجاعت، عشق و رأفت، میانه‌روی، عدالت و استعلا وجود دارد که در تمامی مذاهب عمده و سنتهای فرهنگی مورد تأیید هستند. «توانمندیهای شخصیت، روشهای قابل تشخیص برای نمایش دادن یک یا چند مورد از فضایل هستند. مثلاً فضیلت خرد از طریق توانمندیهایی مانند خلاقیت، کنجکاوی، عشق به یادگیری، آزاداندیشی و آنچه ما آینده‌نگری مینامیم، خود را نشان میدهد» (همان: ۳۳). اگر انسان بتواند توانمندیهای بالقوهٔ وجود خویش را شناسایی کند و امکان بروز و تحقق آنها را فراهم کند، به تحقق خویشتن و خودشکوفایی نائل می‌آید.

اگرچه روانشناسی مثبت‌نگر بعنوان نظریهٔ علمی برای اولین بار از سوی مارتین سلیگمن معرفی و بر مفاهیمی مانند خرد، عدالت، اعتدال، معنویت و غیره تأکید شد، اما این موضوع در ادبیات فارسی و همهٔ انواع ادبی حماسی، غنایی، و عرفانی ما مسبوق به سابقه است. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل فضایل و توانمندیهای شخصیت‌های منظومهٔ خسرو و شیرین نظامی بر اساس نظریهٔ روانشناسی مثبت‌نگر میباشد.

امروزه بین ادبیات و روانشناسی پیوند محکمی وجود دارد و بسیاری از آثار ادبی را از منظر روانشناسی میتوان نقد و بررسی کرد؛ بگونه‌ای که برخی منتقدان و ادیبان هم توجه به روانشناسی را در فهم آثار ادبی بسیار مهم میدانند. در سالهای گذشته، متون ادبی از منظر نظریهٔ فروید و یونگ، بسیار مورد واکاوی قرار گرفته است و تقریباً کمتر از دو دهه است که آثار ادبی از نگاه روانشناسی مثبت‌نگر هم مورد بررسی قرار میگیرد. از آنجا که روانشناسی مثبت‌نگر، شاخه‌ای جدید از علم روانشناسی است، ضروری به نظر میرسد با نگاهی نو و دقیق، بین آثار گذشتگان و علم نوین روانشناسی مثبت‌نگر، پلی زده شود تا از زاویه‌ای تازه، بتوان به آثار ادبی نگاه کرد. در پهنهٔ ادبیات غنایی، نظامی گنجوی یکی از قله‌های رفیع این حوزهٔ ادبی است؛ بگونه‌ای که منظومه‌های او سرآمد منظومه‌های عاشقانه است. در بین آثار نظامی، منظومهٔ خسرو و شیرین و شخصیت‌های آن از دیدگاه روانشناسی مثبت‌نگر قابل بررسی هستند. بر همین اساس، این اثر، انتخاب شده و مورد واکاوی قرار گرفت. پرسشهای اصلی پژوهش حاضر بدین شرح است:

۱- از دیدگاه روانشناسی مثبت‌نگر، خسرو و شیرین، به چه فضایی دست یافتند؟

۲- برجسته‌ترین توانمندیهای خسرو و شیرین بر اساس روانشناسی مثبت‌نگر چیست؟

روش مطالعه

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات، به منابع کتابخانه‌ای رجوع شده است و منابعی که مربوط به روانشناسی مثبت‌نگر بود، مطالعه و یادداشت‌برداری از آنها انجام شد.

سابقه پژوهش

از آنجا که حدود دو دهه از عمر روانشناسی مثبت میگذرد و گرایش نوپا در حوزه روانشناسی محسوب میشود، پژوهشهای این حوزه بر روی آثار ادب فارسی دارای پیشینه طولانی نیست و فقط چند پایان‌نامه کارشناسی ارشد و مقاله با این موضوع نوشته شده است. با جستجوی نگارنده، درباره منظومه خسرو و شیرین از منظر روانشناسی مثبت‌نگر، تحقیقی انجام نشده اما پژوهشهایی که همعرض با این موضوع نوشته شده است، عبارتند از:

پیرانی در مقاله‌ای که تحت عنوان «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روانشناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن» در هفتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی (۱۳۹۲) چاپ کرده است، از بین فضایل بگونه‌ای مختصر به توضیح فضایی چون خرد و دانایی و استعلا با ذکر شواهدی از دیوان حافظ بسنده کرده، بدون آنکه به توانمندیهای این فضایل اشاره کند. نویسنده با بررسی خرد به این نتیجه میرسد که منظور حافظ از خرد، خرد معاشی نیست؛ بلکه ترک رذایل و کسب فضایل اخلاقی است که یاریگر انسان در مسیر تکامل باشد.

آصف‌نیا، حسینی و زروانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های روانشناسی مثبت در داستانهای مثنوی و کاربرد آن در تربیت نوجوانان» ابتدا به توضیح چهار مؤلفه امید و امیدواری، خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی، شکرگزاری و معناجویی در زندگی پرداخته‌اند. سپس این مؤلفه‌ها را از بیست‌ویک داستان مثنوی استخراج کرده و با توجه به محتوای هر داستان، وظایف مرتبطی را نسبت به تعلیم‌پذیران متذکر شدند. نکته مثبت این مقاله، کاربردی بودن آن برای نوجوانان است.

خراسانی و عرب‌ها (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «روانشناسی مثبت در الهینامه عطار نیشابوری»، با شناسایی و تبیین مؤلفه‌های روانشناسی مثبت، حکایات الهینامه را بررسی کرده‌اند. این پژوهش به فضیلت خرد و توانمندیهای آن و نیز توانمندیهای مرتبط با فضایل استعلا و عشق و شجاعت اختصاص یافته است. نویسندگان مقاله ابتدا بگونه‌ای منظم، فضیلت خرد و توانمندیهای آن را مطرح کرده‌اند، اما توانمندیهای دیگر را بدون ذکر فضایل مرتبط با آنها آورده‌اند. برای مثال توانمندی معنویت توضیح داده شده بدون معرفی فضیلت استعلا که مرتبط با این توانمندی است؛ یا فضیلت عشق و شجاعت ذکر نشده است. حال آنکه توانمندیهای آن شرح داده شده که این امر موجب شده پیوند بین فضایل با توانمندیها برای مخاطب روشن نباشد.

بحث و بررسی

پیدایش روانشناسی مثبت‌نگر: قبل از سلیگمن، روانشناسان بصورت پراکنده، هر از گاه بر توانمندیهای انسان تأکید کرده‌اند. برای مثال ویلیام جیمز^۱، پدر روانشناسی نوین، در نوشته‌هایش از ذهنگرایی سالم سخن میگوید و گوردن آلپرت^۲، یکی از پایه‌گذاران سنجش شخصیت، بر مطالعه جنبه‌ها و صفات مثبت شخصیت انسان تأکید

^۱. William, James

^۲. Gordon, Allport

ورزیده است. همچنین آبراهام مازلو^۱، مؤسس روانشناسی انسانگرا، با جدیت از مطالعهٔ افراد سالم و «تحقق‌یافته» به جای افراد بیمار دفاع میکرد؛ اما حقیقت این است که هیچکدام از این گرایشها در روانشناسی، جایگاه علمی نیافتند و بطور جدی ارزیابی و کنکاش نشدند» (شهیدی، ۱۳۸۸: ۳۲). در نیم قرن گذشته، روانشناسی تنها بر موضوع واحد بیماری روانی متمرکز بوده است. اکنون روانشناسان این توانایی را دارند که هر کدام از مفاهیم افسردگی، اسکیزوفرنی و الکلیسم را، که زمانی گنگ و مبهم بوده‌اند، با دقت قابل توجهی اندازه‌گیری نمایند. به نظر میرسد برطرف ساختن حالاتی که زندگی را مشقت‌بار مینماید، اولویت را از ایجاد حالت‌هایی که بر ارزشمندی زندگی میفزایند، سلب کرده است. آنچه مردم میخواهند، فراتر از رفع ضعف‌هایشان است و آنها خواهان زندگی سرشار از معنا هستند. اکنون زمان شکوفایی علمی فرارسیده است که در صدد درک هیجان مثبت، ایجاد قابلیت و فضیلت و ارائهٔ رهنمود برای یافتن آن چیزی است که ارسطو، آن را «زندگی خوب» نامیده است» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۵).

زندگی خوب: روانشناسی مثبت با مؤلف‌ها و پیش‌بینی‌کننده‌های زندگی خوب مرتبط است. ویژگی‌هایی که میتوانند در تعریف زندگی خوب به ما کمک کنند، آن ویژگی‌هایی هستند که زندگی را پر بار و ارزشمند کرده و شخصیت نیرومند را پرورش میدهند. مارتین سلیگمن، بنیانگذار روانشناسی مثبت، زندگی خوب را به استفاده از نقاط قوت در زندگی روزانه، جهت ایجاد شادی اصیل و خشنودی تعریف کرده است. در روانشناسی مثبت، زندگی خوب، متشکل از سه مؤلفه است: روابط با دیگران، صفات شخصی مثبت، و نظم‌بخشی به زندگی. رفتارهایی که به ایجاد روابط مثبت با دیگران کمک میکند و در نهایت، ویژگی نظم‌بخشی زندگی این امکان را به ما میدهد تا رفتار روزانهٔ خود را تنظیم کرده، بطوری که قادر به دستیابی به اهداف خود باشیم. همچنین در غنا بخشیدن به مردم و سازمان‌هایی که با آنها مواجه میشویم به ما کمک میکنند. این ویژگی شامل داشتن معرفت و دانش بعنوان راهنمای رفتار است. باید دقت داشت که زندگی خوب به معنای حذف پیشرفت افراد در محیط‌های اجتماعی نیست؛ برعکس باید شامل روابط با افراد دیگر و اجتماع بطور کلی باشد (کامپتون و هافمن، ۱۳۹۷: صص ۱۶-۱۷).

ابعاد روانشناسی مثبت: «دامنهٔ روانشناسی مثبت بسیار گسترده است و ابعاد آن دربردارندهٔ زندگی انسان در جنبه‌های مثبت است. به منظور پرورش استعداد و ثمربخش کردن زندگی، روانشناسی مثبت بر سه حیطة گستردهٔ تجارب انسان تمرکز دارد که دیدگاه مثبت این شاخه از روانشناسی را منعکس میکند. در سطح ذهنی، روانشناسی مثبت، به حالات ذهنی مثبت یا هیجان‌ات مثبت مانند شادی، لذت، رضایت‌مندی از زندگی، آرام‌بخشی، عشق، صمیمیت و خشنودی میپردازد. حالات ذهنی مثبت، همچنین شامل افکار سازنده دربارهٔ خود، آینده، مانند خوش-بینی و امید، همچنین احساس انرژی، سرزندگی و اطمینان به نفس و اثرات هیجان‌های مثبت مثل شادی است.

در سطح فردی، روانشناسی مثبت، بر صفات شخصیتی مثبت یا الگوهای رفتار مثبتتر که در همهٔ اوقات در افراد دیده میشود، مانند شجاعت، استقامت، صداقت و خرد تمرکز دارد. همچنین میتواند شامل احساسات زیبایی‌شناسی یا استفاده از پتانسیل خلاق و نیز اشتیاق به سمت تعالی باشد؛ به این معنا که روانشناسی مثبت شامل مطالعهٔ رفتارهای مثبت و صفاتی است که در گذشته در قالب فضایل و نقاط قوت شخص، گنجانده شده بودند. در گروه یا سطوح اجتماعی، روانشناسی مثبت روی ایجاد و حفظ سازمان‌های مثبت تمرکز دارد. در این رابطه روانشناسی مثبت، موضوعاتی مانند شکلگیری فضایل مدنی و ایجاد خانواده‌های سالم را مورد توجه قرار میدهد و بررسی میکند که چگونه سازمانها میتوانند در جهت حمایت بهتر و پرورش همهٔ شهروندان عمل کنند. پس روانشناسی

^۱. Abraham, maslow

مثبت، مطالعه علمی کارکردهای مثبت انسان و شکوفایی سطوح چندگانه شامل ابعاد زیستی، سازمانی، فرهنگی و کلی زندگی است» (همان: ۱۴-۱۵). «روانشناسی مثبت‌نگر بر تجربه‌های مثبت در سه مقطع زمانی تمرکز دارد: ۱- گذشته؛ با تمرکز بر بهباشی، خشنودی و رضایت، ۲- حال که به مفاهیمی مانند شادکامی و تجربه‌های غرقگی توجه میکند؛ ۳- آینده؛ با مفاهیمی چون خوش‌بینی و امید. روانشناسی مثبت‌نگر نه تنها به تمایز بهباشی در مقاطع زمانی می‌پردازد، بلکه این موضوع را به سه سطح تفکیک میکند:

-سطح درونی، که شامل اموری مانند تجربه‌ها و حالت‌های مثبت در گذشته، حال و آینده میشود (مثل شادکامی، خوش‌بینی)؛

-سطح فردی، که بر ویژگی‌های «شخص خوب» تمرکز میکند (مثل استعداد، خردمندی، عشق، شجاعت، خلاقیت)؛
-سطح گروهی، که نهادها، شهروندی و جوامع مثبت را مطالعه میکند (مثل نوع‌دوستی، مدارا، اخلاق کار)» (هفرن و بونیول، ۱۳۹۹: صص ۱۶-۱۷).

سلیگمن دو نظریه در روانشناسی مثبت‌نگر مطرح کرده است: ۱- نظریه شادکامی اصیل، ۲- نظریه بهزیستی (بهباشی).

نظریه شادکامی اصیل: در سال ۲۰۰۲ میلادی سلیگمن نظریه «شادی واقعی» را ارائه کرد و در این نظریه توضیح میدهد که چگونه روانشناسی در سیر تاریخی خود به جای توجه به جنبه‌های مثبت شخصیت انسان، صرفاً جنبه‌های بیمارگونه را مد نظر قرار داد. طبق این نظریه، شادکامی میتواند به سه عنصر متفاوت که ما آنها را بخاطر خودشان انتخاب میکنیم، تقسیم شود: هیجان مثبت، جذب‌یبت، و معنا. هدف این نظریه، افزایش میزان شادکامی در زندگی خود و دیگران است^۱ (شهیدی، ۱۳۸۸: ۳۳).

نظریه بهزیستی: سلیگمن در سال ۲۰۱۱ در کتاب «شکوفایی روانشناسی مثبت‌نگر» نظریه بهزیستی را مطرح کرد. موضوع اصلی روانشناسی مثبت‌نگر، سازه بهزیستی است نه رضایت از زندگی. مؤلفه‌های بهزیستی به هیجان مثبت، میزان جذب‌یبت و میزان معناداری زندگی محدود نمیشود. نظریه بهزیستی، پنج جزء تشکیل‌دهنده دارد. این پنج عنصر عبارتند از: هیجان مثبت، مشارکت، معنا، روابط مثبت و دستاورد (موقفیت). هدف روانشناسی مثبت‌نگر در نظریه بهزیستی، افزایش میزان «شکوفایی» در زندگی است^۲ (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۳۲).

فضایل و توانمندی‌های شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین

مارتین سلیگمن و کریستوفر پیترسون دریافته‌اند که شش فضیلت همه‌جا حاضر خرد، شجاعت، عشق و رأفت، میانه‌روی، عدالت، استعلا وجود دارند که در تمامی مذاهب عمده و سنت‌های فرهنگی مورد تأیید هستند و برای هر کدام از این فضایل، قابلیت‌هایی (توانمندی‌ها یا نیروهای منش) در نظر گرفته‌اند که در مجموع به بیست‌و‌چهار قابلیت طبقه‌بندی میشود. اگر انسان بتواند توانمندی‌های بالقوه وجود خویش را شناسایی کند و امکان بروز آنها را فراهم کند، به تحقق خویشتن و خودشکوفایی نائل می‌آید.

در شخصیت‌های این داستان، فضایل ششگانه و توانمندی‌هایی چون دوست داشتن، مهربانی، پشتکار، انصاف، رهبری، احتیاط و دوراندیشی، امید، معنویت، و قدردانی دیده میشود که به شرح و تحلیل آنها می‌پردازیم.

^۱. برای توضیح بیشتر این نظریه، خوانندگان محترم را به کتاب «شادمانی درونی» نوشته سلیگمن ارجاع میدهیم.

^۲. برای توضیح بیشتر این نظریه، خوانندگان محترم میتوانند به کتاب «شکوفایی روانشناسی مثبت‌نگر» نوشته سلیگمن مراجعه کنند.

فضیلت خرد و دانش

بحث دربارهٔ ماهیت خرد دارای سابقهٔ گسترده‌ای در میان فیلسوفان و متکلمان است؛ اما اخیراً به حوزهٔ روانشناسی وارد شده است. از زمان آغاز پژوهش‌های روانشناسی دربارهٔ خرد، درک این نکته که خرد و خردمندی چیست و چگونه میتوان آن را تعریف کرد، از حیطه‌های بسیار مهم پژوهشی است. «خرد را بعنوان یک سامانه دانش تخصصی معطوف به کاربردشناسی زندگی، تعریف میکنند که ذهن و فضیلت را به هم پیوند میدهد. این سامانه شامل دانش و داوری دربارهٔ معنای زندگی و نحوهٔ هدایت زندگی در جهت رسیدن به فضیلت و شایستگی همراه با پابندی به سلامت شخصی و خیر همگانی است» (کار، ۱۳۸۵: ۳۱۲). سلیگمن نیز خرد را اولین خوشه از فضیلتها میداند که شش راه نشان دادن خرد و ضروریترین مقدمهٔ آن یعنی دانش به ترتیب از اساسیترین آنها به لحاظ رشدی (کنجکاوی) تا بالغانه‌ترین آنها (روشن‌بینی) را شامل میشود. (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۸۳). «خرد، شامل دانش گسترده و عمیق دربارهٔ شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکرانه دربارهٔ کاربرد این دانش است. استرنبرگ^۱ (1998) بیان میکند که خرد، فقط برای این نیست که انسان از هوش عملی به نفع شخصی خود یا فرد دیگری استفاده کند، بلکه بین منافع شخصی مختلف (درون‌فردی) با علایق دیگران (بین‌فردی) و بین سایر جنبه‌های موقعیتی که فرد در آن زندگی میکند (برون‌فردی)، مانند شهر یا کشور یا محیط زیست یا حتی خدا تعادل ایجاد میکند» (سلیگمن و پیترسون، ۱۳۹۵: ۷۳).

نظامی نیز اهمیت بسیاری برای خردورزی و دانش فائل است. «خردورزی، تنها عاملی است که میتواند انسان را به امور نیک هدایت کند و از زشتیها بازدارد. یکی از فضایل انسانی، عدل و داد است که اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و عقل همواره به سوی آن رهنمون میشود و نظامی بر داشتن این فضیلت تأکید دارد» (حدیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

فلک بر پای دار و انجم افروز خرد را بی میانجی حکمت آموز (خسرو و شیرین: ۳)

فضیلت خرد و دانش دارای توانمندیهای کنجکاوی، عشق به یادگیری، قضاوت و تفکر انتقادی، ابتکار و نوآوری، هوش اجتماعی، هوش شخصی، هوش هیجانی و روشن‌بینی است.

توانمندی کنجکاوی: از نظر سلیگمن «کنجکاوی، درگیر شدن فعالانه با تازگیهاست و جذب شدن منفعلانه به اطلاعات، نشانهٔ این توانمندی نیست. کنجکاوی در مورد جهان، مستلزم باز بودن نسبت به تجربه و انعطاف‌پذیری در مورد مسائلی است که با پیش‌پنداشته‌های شخص تناسب ندارد» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۸۳)؛ بنابراین میتوان گفت تلاش برای یافتن جواب پرسشهایی که ذهن فرد کنجکاو را به خود مشغول کرده، به دلیل تازگی مطالب، شور و هیجان زیادی ایجاد میکند.

کنجکاوی خسرو: در این داستان یکی از نزدیکان خسرو به نام «بزرگ‌امید» بسیار دانشمند و در علوم مختلف، جامع‌الاطراف است. خسرو از «بزرگ‌امید» میخواهد به سؤالاتش در موضوعات گوناگون چون اولین جنبش، چگونگی فلک، اجرام کواکب، مبدأ و معاد، گذشتن از جهان، بقای جان، چگونگی دیدار کالبد در خواب، یاد کردن دورهٔ زندگی پس از مرگ، چگونگی ماهیت زمین و هوا، در پاس داشتن تندرستی از راه اعتدال و چگونگی رفتن جان از جسم پاسخ دهد. با نگاهی به موضوع سؤالات خسرو میفهمیم کنجکاوی او حول محور جهان و انسان میگردد و پرسشهایی است که برای همهٔ انسانها مجهول و ناشناخته است. مثلاً در پرسش دوم میپرسد:

(خسرو و شیرین: ۴۰۰)

^۱. Sternberg

نخستم در دل آید کاین فلک چیست؟ درونش جانور، بیرون او کیست؟

اینکه بیرون از این جهان چه چیزی وجود دارد را کسی جز خداوند نمیداند.

حسابی را کزین گنبد برون است / جز ایزد کس نمیداند که چون است
(همان، ۴۰۰)

دستیابی به پاسخهای تازه، تجربه‌های جدید و یادگیری مطالب نو، توانمندی کنجکاوی را در خسرو تقویت میکند و به همین سبب موجب رضایت خاطر او میگردد. تأثیر مثبت آن را تا حدی میبینیم که باعث تغییر در نگرش و دیدگاه او در جهت برقراری عدالت و دست شستن از بیداد میگردد. «سرای عدل را نو کرد بنیاد». خسرو از کوچکترین فرصتها برای علم‌آموزی استفاده میکند؛ بگونه‌ای که میبینیم وقتی به سوی روم در حرکت است در مسیرش به راهبی برمیخورد و در فرصت اندک از او حکمت می‌آموزد.

بر آن رهبان دیر افتاد راهش / که دانا خواند غیب‌آموز شاهش
ز رایش روی دولت را برافروخت / و زو بسیار حکمتها درآموخت
(همان، ۱۵۹)

از آنجا که راهب، فردی دانشمند و آگاه است، خسرو فرصت را غنیمت می‌شمارد و پرسشهای مورد نظر خود را از او میپرسد و با او خداحافظی میکند.

توانمندی ابتکار: یکی از توانمندیهای فضیلت خرد، ابتکار و نوآوری است که دو تعریف برای آن آمده است. «داشتن قابلیت، توانایی یا سرشت طبیعی؛ کیفیت بالای ذهن؛ موهبتی که موجب میشود فرد، کار خود را بسیار خلاقانه انجام دهد. دوم، قدرت فکری فطری از نوع والا؛ آن نوع قدرت فکری که به کسانی نسبت داده میشود که بزرگترین افراد در هر حوزه‌ای از هنر، نظرپردازی، یا حوزه‌های عملی باشند که در نهایت باعث کشف، ابتکار، اندیشه اصیل و آفرینش میشود» (پل و الدر، ۱۳۹۶: صص ۳۶-۳۷). خلاقیت، محصول ابتکار و اندیشه است و توانایی ایجاد نظرات مفید و جدید و راه‌حلهایی برای همه مسائل و مشکلات خواهد بود (ساعتی، ۱۳۸۶: ۳۹۶).

ابتکار و هوش عملی «بزرگ‌امید»: «بزرگ‌امید» در این داستان در دو موقعیت در نقش فرد خردمند و فرزانه به خسرو تعلیم میدهد و در واقع نقش معلم را برای خسرو دارد. یکی در ابتدای داستان و دیگری در پایان داستان که به توصیه شیرین، خسرو نزد او به علم‌آموزی مشغول میشود. در آغاز داستان، خسرو در چشم پدرش -هرمز- عزیز و گرامی بود تا اینکه یکی از دشمنانش سگ‌ها را به نام خسرو میزند نه هرمز و به همه شهرهای اطراف، آن سگ‌ها را میفرستد. هرمز از این کار خسرو دلگیر میشود و تصمیم میگیرد خسرو را به بند بیندازد و حساب کار از او پس بگیرد، اما «بزرگ‌امید» از این کار آگاه میشود و خسرو را از ناراحتی و تصمیم هرمز مبنی بر گوشمالیش آگاه میکند. «بزرگ‌امید» از خسرو میخواهد با عجله چند روز از کاخ هرمز دور شود تا خسرو را از آسیبی که ممکن بود هرمز به او برساند، دور نگه دارد.

ز بیم سگه و نیروی شمشیر / هراسان شد کهن‌گرگ از جوان شیر
بر آن دل شد که لعبی چند سازد / بگیرد شاه نو را بند سازد
بزرگ‌امید از این معنی خبر یافت / شه نو را به خلوت جست و دریافت
حکایت کرد اختر در وبال است / ملک را با تو قصد گوشمال است
بباید رفت روزی چند از این پیش / شتاب آوردن و بردن سر خویش

مگر کین آتشت بی دود گردد وبال اخترت مسعود گردد
(خسرو و شیرین: ۷۸-۷۹)

خسرو بلافاصله به مشکوی میرود و اعلام میکند که چند هفته به شکار میروم، اگر زیبارویی (شیرین) به اینجا آمد او را گرامی بدارید؛ زیرا مهمانی عزیز است. «بزرگامید» به مهلکه‌ای که خسرو در آن گیر افتاد، فکر میکند و به راه‌حلی جدید که به نفع خسرو که بیگناه بود میندیشد و با بررسی همهٔ جوانب امر به او توصیه میکند که آن صحنه را ترک کند. این توانمندی «بزرگامید» میتواند از تصمیم آنی و احياناً عجلوانهٔ هرمز جلوگیری کند و فرصت بیشتری به هرمز برای تجزیه و تحلیل ماجرا و پی بردن به نقشهٔ شومی که برای خسرو کشیدند، بدهد. **توانمندی قضاوت و تفکر انتقادی:** قضاوت و تفکر انتقادی یکی دیگر از توانمندیهای فضیلت خرد است. قضاوت به معنی بررسی همهٔ جوانب یک مسئله، بدون شتابزدگی است. با این توانمندی، اطلاعات مورد نظر را به دقت مورد واکاوی قرار میدهیم و منطقی فکر میکنیم. «قضاوت، متضمن واقعیت‌مداری و در تضاد با خطای منطقی است که بسیاری از افراد افسرده از آنها رنج میبرند؛ خطاهایی از قبیل شخصی‌سازی مفرط «همیشه تقصیر من است» یا تفکر سیاه و سفید. عکس این توانمندی، تفکر به شیوه‌هایی است که از باورهای موجود جانبداری کرده و بر آنها اصرار میورزد. این بخش مهمی از خصیصهٔ سالم عدم اشتباه گرفتن خواستها و نیازهای خود با واقعیت‌های جهان است» (سلینگمن، ۱۳۹۷: ۲۹۴).

قضاوت و تفکر انتقادی مهین بانو: وقتی شیرین به خواهش خسرو، مبنی بر وصلی که از او میخواهد، تسلیم نمیشود، خسرو از او دلگیر میشود و او را ترک میکند. شیرین در جدایی از او از دیدگانش، رشتهٔ گوهر میگذراند و چشمانش بی‌خواب میشود و لب از گفتار میبندد. مهین بانو وقتی زاریش را میبیند، او را نصیحت میکند و با بررسی همهٔ جوانب رابطهٔ خسرو با شیرین و اتفاق پیش آمده، او را پند میدهد. تمثیلهایی که مهین بانو برای شیرین می‌آورد، بیانگر قدرت بسیار او در حلّاجی مسائل و استنتاج عاقلانه و مدبّرانه است که با تأنی و آرامش، مشکل را میکاود و شیرین را به صبوری و شکیبایی دعوت میکند.

دل بانو موافق شد در این کار
که صابر شو در این غم روزکی چند
نباید تیزدولت بود چون گل
کنون وقت شکیبایی است مشتاب
چه وقت آید که آب آید فرا زیر
نصیحت کرد و پندش داد بسیار
نماند هیچکس جاوید در بند. .
که آب تیزرو زود افکند پل. .
که بر بالا به دشواری رود آب
نماند دولتت در کارها دیر
(خسرو و شیرین: ۱۷۳-۱۷۴)

شیرین از عشق خسرو بیتاب است و میخواهد زودتر به خواسته‌اش برسد. بنا بر همین احساس، ممکن است کار اشتباهی مرتکب شود و اگر هم نشود، این ناصبوری، او را آزار میدهد. مهین بانو قادر است استدلال کند و شتاب او را چون تندآبی تصوّر کند که میتواند به علت قدرت و شتابش پلی را ویران کند. او با برقراری پیوند منطقی بین احساس شیرین و تمثیل خود، مشکل شیرین را حل میکند. گفتار منطقی مهین بانو بگونه‌ای مؤثر است که در شیرین تأثیر مثبت بر جای میگذارد و شیرین دقیقاً مطابق آن عمل میکند.

چو بانو زین سخن لختی فرو گفت
بت بیصبر شد با صابری جفت
(همان، ۱۷۵)

صحبت‌های مهین بانو مایه آرامش خاطر و برانگیزاننده شادی در وجود شیرین است که در نتیجه، سلامت روحی و روانی را به او هدیه می‌دهد و این یک نمونه آشکار از مثبت‌نگری مهین بانو نسبت به موقعیتی است که شیرین در آن قرار گرفته و تحمل آن برایش سخت شده است.

قضاوت و تفکر انتقادی شیرین: در صحنه ورود خسرو به کاخ شیرین و اجازه ندادن شیرین به او برای ورود و استقبال از او در بیرون کاخ، اگرچه این اقدام شیرین نشانه پاکدامنی و خویشتنداری است، اما با نگاهی ژرف، متوجه زیرکی و تدبیر او می‌شویم.

حصار خویش را در داد بستن	رقیبی چند را بر در نشستن
به دست هر یک از بهر نثارش	یکی خوان زر که بیحد بد شمارش
ز مقراضی و چینی بر گذرگاه	یکی میدان بساط افگند بر راه

(همان، ۳۰۱)

شیرین برای موقعیتی که در آن قرار گرفته با تدبیر و ذکاوت، بهترین راه را انتخاب می‌کند. با در نظر گرفتن همه جوانبی که در آن قرار دارد، اقدامی را انجام می‌دهد که به مصلحت خود و دیگران است. اتخاذ این تصمیم که هم جایگاهش به خطر نیفتد و مورد اتهام کسی قرار نگیرد و هم به نحوی شایسته از خسرو در بیرون قصر پذیرایی کند، جز از زیرکی او بر نمی‌آید. «عمده‌ترین عامل موفقیت، قضاوت درست است. قضاوت درست یعنی داشتن تفکر منطقی، افکار متین و منظم که به تصمیم‌گیری صحیح منجر می‌شود. قضاوت درست، فرد را برای تصمیم‌گیری صحیح یاری می‌کند و کسب موفقیت، بستگی تام به این نوع تصمیم‌گیری صحیح دارد» (وینسنت پیل، ۱۳۷۵: ۱۴۷). بر همین اساس شیرین علاوه بر مهارت‌های عاطفی از مهارت‌های منطقی نیز بهره می‌برد.

به دستان میفریبندم نه مستم	نیارند از ره دستان به دستم
اگر هوش مرا در دل ندانند	من آن دانم که در بابل ندانند

(خسرو و شیرین: ۲۰۴)

توانمندی دلیری و بیباکی: یکی از توانمندی‌های فضیلت شجاعت، دلیری و بیباکی است؛ به این معنا که انسان با دانش و آگاهی در مواجهه با امور خطرناک با وجود داشتن ترس، از خود شهامت به خرج دهد. چنانچه بدون ترس، چشم‌بسته، خود را به خطر اندازد، نه تنها دلیری نیست، بلکه نشانه دیوانگی است. مفهوم دلیری در طول تاریخ از شجاعت در میدان نبرد یا شجاعت جسمی توسعه پیدا کرده و اکنون شامل شجاعت اخلاقی و روانی هم می‌شود. شجاعت اخلاقی شامل اتخاذ موضعی است که میدانند غیرمعمول است و ممکن است تبعات نامطلوبی داشته باشد و شجاعت روانی، شامل موضع صبورانه و حتی امیدوارانه است که برای مواجه شدن با کارهای بسیار سخت، بدون از دست دادن وقار و متانت، لازم است (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۸۹).

دلیری شیرین: دلآوری و دلیری اگرچه صفتی است که بیشتر برای مردان مصداق پیدا می‌کند، در دلیری شیرین در این داستان تردیدی نیست. وقتی شاپور، تصویر خسرو را به او مینمایاند و خسرو را برای شیرین معرفی می‌کند، شیرین با شنیدن توصیفات شاپور، صبح زود لباسی مردانه بر تن می‌کند تا بخاطر زن بودن، خطری متوجه او نشود. او سوار بر اسب خود -شبدیز- می‌شود و صحراها را درمینوردد، کوه‌های پرپیچ‌وخم و صعب‌العبور را طی می‌کند و در هیچ منزلی توقف نمی‌کند.

بتان از سر سراغ باز کردند	دگرگون خدمتش را ساز کردند
چو سیاره شتاب آهنگ میبود	ز ره رفتن به روز و شب نیاسود

قبا در بسته بر شکل غلامان همی شد ده به ده، سامان به سامان. . .
 یکی آینه و شانه درافگند به افسونی به راهش کرد در بند
 زنی کو شانه و آینه بگند ز سختی شد به کوه و بیشه مانند
 (خسرو و شیرین: ۷۳-۷۶)

شیرین با ظاهر مردانه پا به این سفر گذاشت؛ زیرا برای چنین سفر خطرناکی مبیایست چنین تمهیداتی نیز ببیند. یک زن تک و تنها مسافت ارمن به مداین را بی نگهبان و با شجاعت تمام طی میکند و به مقصد میرسد. دلیری خسرو: در بزمگاهی که کنیزان و غلامان، گرد خرگاه صف بسته بودند، شیری قوی به لشکرگاه حمله کرد که لشکریان به هر سو فرار میکردند. شیر به سمت خسرو پرید. خسرو با یک پیراهن و بدون شمشیر و نیزه با مشت بر شیر زد که شیر درجا بیهوش شد و خسرو دستور داد سرش را ببرند و پوستش را از گردنش بدون اینکه آن را بشکافند، درآوردند.

برآمد تند شیری بیشه پرورد که از دنبال میزد بر هوا گرد
 فراز آمد به گرد بارگه تنگ به تندی کرد سوی خسرو آهنگ
 شه از مستی شتاب آورد بر شیر به یکتا پیرهن، بی درع و شمشیر
 کمانکش کرد مشتی تا بناگوش چنان بر شیر زد کز شیر شد هوش
 (خسرو و شیرین: ۱۲۸-۱۲۹)

خسرو، پادشاهی تنومند و قدرتمند و در دلاوری و جنگاوری و فنون رزم سرآمد است. اگرچه رسم بوده که پادشاهان علوم و فنون جنگی و شکار را به فرزندان خود می‌آموختند، جرئت و جسارت نیز برای آنها عامل مهمی است که مکمل آموزه‌های رزمی و جنگی باشد. جایی که همهٔ لشکریان از میدان خارج میشوند، خسرو یکتنه بی ابزار نبرد، شیر را هلاک میکند.

توانمندی پشتکار: پشتکار یکی از توانمندیهای فضیلت شجاعت است. «شخص کوشا کاری را که شروع میکند به پایان میرساند. کارهای دشوار را هم با امیدواری و کمترین شکوه و شکایت به سرانجام میرساند. پشتکار به معنی پیگیری و سوسای اهداف دست‌نیافتنی نیست» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۹۰). پشتکار به این معناست که بدانچه آنچه انجام میدهی درست است و به کار خود ادامه دهی. پشتکار یعنی خواسته‌های خود را بشناسیم و در مسیر رسیدن به اهدافمان گام برداریم. همهٔ ما گاهی از مسیر خارج میشویم؛ اما با اشتیاق خود دوباره از نو شروع میکنیم. این شور و هیجان، همان نقطهٔ رسیدن به آرمان ماست.

پشتکار فرهاد: با دستور شیرین مبنی بر کندن جویی در دل کوه تا مسیر خانه‌اش، فرهاد آغاز به کار میکند. او با نیروی بازو و با ضربه‌های طاقت‌فرسای تیشه، شب و روز با تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر مشغول میشود.

چو شد پرداخته فرهاد را چنگ ز صورتکاری دیوار آن سنگ
 نیاسودی ز وقت صبح تا شام بریدی کوه بر یاد دلارام
 به کوه انداختن بگشاد بازو همی برید سنگی بی ترازو
 (خسرو و شیرین: ۲۳۸)

نظامی، فرهاد را قوی و ستبرپیکر و تنومند معرفی میکند؛ بگونه‌ای که در صحنهٔ سقط شدن اسب شیرین میبینیم که هر دو را با هم از بالای کوه به پایین می‌آورد و کار ناشدنی کندن کوه بیستون و احداث جوی از میان سنگ خارا را در عرض یک ماه به فاصلهٔ دو فرسخ -اگرچه غیرمنطقی مینماید و با عقل جور در نمی‌آید- با نیروی پشتکار

و به مدد جادوی عشق شیرین انجام میدهد. «افراد عاشق که با احساس دریایی انرژی، با شور، شادابی و خستگی-ناپذیری در پی تحقق اهدافشان برمی‌آیند، در مواجهه با مشکلات فرا رویشان، خاصه اگر این مشکلات و موانع در ارتباط با معشوق و محبوبشان باشد، سرسختی بسیاری از خود نشان میدهند و با استحکام وصف‌نشدنی، تحقق اهداف موردعلاقه‌شان را پی میگیرند» (منطقی، ۱۳۹۰: ۳۱).

توانمندی رهبری: بشر از آغازین روزهای تکامل خود موجودی اجتماعی بوده است و به همین دلیل گروه‌هایی که ما به آنها وابسته‌ایم، امنیتی به ما میدهند که به هنگام تنهایی، فاقد آن هستیم. اعضای گروه، تحت نظارت و حمایت یک رهبر به هنگام نیاز یکی از افراد به کمکش می‌شتابند و همگی صلاح افراد گروه را بر خواسته‌های خودخواهانه خود ترجیح میدهند. «رهبری عبارت است از قدرت نفوذ و اقتدار بر یک گروه، رهبری یعنی قدرت جذب افراد و میزان نفوذ در آنها؛ آنچنان که افراد بطور داوطلبانه شخصیت و رهبری فردی را در یک شرایط معین بپذیرند. رهبر میتواند در عقاید، احساسات و رفتار دیگران نفوذ کرده و آنها را به منظور نائل شدن به هدف خاصی کنترل کرده و هدایت نماید» (حیدری، ۱۳۷۹: ۲۳). سلیگمن معتقد است یک رهبر در سازماندهی فعالیتها و نظارت بر کارها عملکرد خوبی دارد. «یک رهبر انسانی باید قبل از هر چیز یک رهبر مؤثر باشد و در عین حفظ روابط خوب میان اعضای گروه، به پیشرفت کارهای گروه توجه داشته باشد» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

رهبری مهین‌بانو: مهین‌بانو در این داستان نقش فرد خیرخواهی را دارد که هم شور عشق خسرو را درک میکند و هم تپشهای دل بیتاب شیرین را برای وصال خسرو میفهمد؛ از این رو در جای‌جای داستان به دو طرف برای انتخاب بهترین تصمیم و رفتار پند میدهد. ابیات زیر در هدایت شیرین است.

دل بانو موافق شد درین کار	نصیحت کرد و پندش داد بسیار
که صابر شو درین غم روزکی چند	نماند هیچکس جاوید در بند
نباید تیزدولت بود چون گل	که آب تیزرو زود افکند پل
بباید ساختن با سختی اکنون	که داند کار فردا چون بود چون؟
کنون وقت شکیبایی است مشتتاب	که بر بالا به دشواری رود آب

(خسرو و شیرین: ۱۷۳-۱۷۴)

رهبری شاپور: شاپور نیز یکی دیگر از شخصیت‌های این داستان است که برای به سرانجام رسیدن این عشق تلاش میکند و در شکلگیری و جهت‌یابی داستان، نقش کلیدی دارد. در بسیاری از قسمتهای داستان شاهد تلاش او برای حفظ رابطه خسرو و شیرین هستیم. بطور کلی «شاپور شخصیتی است که از توانمندیهای فراوانی برخوردار است. در این داستان برخی از توانمندیها آشکار بیان شده است و پاره‌ای در لفافه و شناخت آنها به وقت و یافتن قرینه‌هایی نیاز دارد. قلم زدن، نقاشی، توصیف دیده‌ها به بهترین و شیواترین روش (سخندان)، آشنایی با علوم غریبه همچون کیمیا و علم‌النفوس (روانشناسی) و غیره از توانمندیهای اوست» (صفری و حسینی، ۱۳۸۸: ۲۱۹). شاپور بعد از اینکه شیرین را برای خسرو توصیف میکند، به او اطمینان میدهد که تمام تلاشش را میکند که شیرین را به او برساند.

مدار از هیچ گونه گرد بر دل	که باشد گرد بر دل درد بر دل
به چاره کردن کار آنچنانم	که هر بیچارگی را چاره دانم
تو خوشدل باش و جز شادی میندیش	که من یکدل گرفتم کار در پیش
نگیرم در شدن یک لحظه آرام	ز گوران تک، ز مرغان پر کنم وام

نخسبم تا نخسبانم سرت را نیایم تا نیارم دلبرت را
(خسرو و شیرین: ۵۵)

توانمندی انصاف و برابری: انصاف و برابری یکی دیگر از توانمندی‌های فضیلت شجاعت است. رعایت انصاف و برابری در ارتباط با دیگران موجب بهبود روابط اجتماعی میشود. «شخص منصف اجازه نمیدهد که احساسات شخصیش موجب سوگیری تصمیماتش در مورد دیگران شود و رفاه دیگران به اندازهٔ رفاه خود برایش مهم است و میتواند براحتی تعصبات شخصیش را کنار بگذارد» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۹۵).

انصاف خسرو: خسرو پس از آموختن از بزرگ‌امید، در برقراری عدالت و انصاف میکوشد و دست ظالمان را از کار مملکت کوتاه میکند.

ز بهر جان‌درازیش از جهان شاه
منادی را ندا فرمود در شهر
و گر کس روی نامحرم ببیند
چو شه در عدل خود نمود سستی
ز هر دستی درازی کرد کوتاه
که وای آن کس که او بر کس کند قهر. . .
همان در خانهٔ ترکی نشیند. . .
پدید آمد جهان را تندرستی
(خسرو و شیرین: ۴۲-۴۳)

انصاف هرمز: خسرو در عنفوان جوانی روزی به عشرت در مرغزاری میپردازد و شب‌هنگام در آنجا خانه‌ای را از پیرمردی میگیرد و به سرمستی و باده‌نوشی با همراهانش مشغول میشود. شراب ارغوانی مینوشد، توشش بدلگامی میکند، کشتزاری را تباہ میکند و غلامانش غوره‌های باغ را تباہ میکنند. چند نفر برای هرمز، پنهانی خبر میبرند که خسرو برخلاف رسم و رسوم عادلانهٔ پادشاه رفتار کرده است.

تنی چند از گرانجانان که دانی
ملک گفتا نمیدانم گناهش
خبر بردند سوی شه نهانی
بگفتند آن که بیداد است راهش
(همان، ۴۵)

انصاف شیرین: وقتی مهین بانو روی در نقاب خاک میکشد، شیرین بر مسند شاهی تکیه میزند و عدل و انصاف را نسبت به رعیت رعایت میکند، بار ظلم را از دوش مظلومان برمیدارد و از دهقانان خراج نمیگیرد. از برقراری و اجرای عدالت او غنی و ضعیف با هم برابر شده و همه در جایگاه یکسان قرار میگیرند. «افلاطون معتقد است فرمانروایان باید از میان افراد خوب پرورش‌یافته برگزیده شوند؛ بنابراین میتوانند مرد یا زن باشند. بر همین اساس زنی که باهوش، شجاع و در مقابل وسوسه، مقاوم باشد، میتواند فرمانروای خوبی باشد» (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲۸). این ویژگیها را در خلال حوادث داستان در شیرین میبینیم.

به انصافش رعیت شاد گشتند
ز مظلومان عالم جور برداشت
ز عدلش باز با تیهو شده خویش
رعیت هرچه بود از دور و پیوند
فراخی در جهان چندان اثر کرد
همه زندانیان آزاد گشتند
همه آیین جور از دور برداشت. . .
به یک جا آب خورده گرگ با میش
به دین و داد او خوردند سوگند
که یک دانه غله صد بیشتر کرد
(خسرو و شیرین: ۱۸۱)

فضیلت میانه‌روی

اعتدال و میانه‌روی در زندگی یکی از فضایل اخلاقی است که بر اساس آن انسانها میکوشند در کارهایشان افراط و تفریط نکنند. همچنین شرع اسلام نیز به آن توصیه کرده است. اعتدال و میانه‌روی بعنوان یک فضیلت، ابتدا در آثار سقراط و افلاطون مشاهده میشود و بعد ارسطو آن را بعنوان نظریه اخلاقی -نظریه اعتدال- مطرح میکند «که بر اساس آن همه فضایل اخلاقی در حد وسط دو رذیلت افراط و تفریط قرار داده میشوند» (ارسطو، ۱۳۷۸: ۶۶)؛ ولی نکته مهم این است که نباید تصور کرد پذیرش اعتدال و میانه‌روی بمنزله یک فضیلت و روش درست در زندگی، به معنای پذیرش نظریه اعتدال است. فضیلت میانه‌روی با سه قابلیت حاصل میشود: ۱- خودکنترلی، ۲- دوراندیشی، ۳- تواضع و فروتنی.

خودکنترلی شیرین: شخصیت شیرین در این توانمندی بسیار کاملتر و برجسته‌تر از خسرو است و نظامی او را آرمانیتر از خسرو معرفی میکند. در ابتدای داستان، بعد از چند بار تعقیب و گریز در صحنه آبتنی در چشمه، وقتی شیرین چشمش به خسرو در پشت بوته‌ها میفتد، نمیتوان منکر این شد که از روی میل دل، تمناي وصل با او را در سر نمیپوراند؛ اما بلافاصله به خود نهیب میزند که از این فکر و راه دوری کن.

هوای دل رهش میزد که برخیز
گل خود را بدین شکر درآمیز
دگر ره گفت از این ره روی برتاب
روا نبود نمازی در دو محراب
(خسرو و شیرین: ۸۴)

خودکنترلی شکر: به علت حضور کوتاه و برق‌آسای شکر، فضایل و قابلیت‌های مختلف در او دیده نشده است؛ اما در حداقل حضور او میتوان به عفت و پاکدامنی و خودداری از ارتباط‌های نامشروع پرداخت. او صاحب عشرتکده‌ای است که کنیزانی تحت فرمان او به تنفروشی مشغولند. وقتی خسرو به طمع وصل شکر به اصفهان میرود، شکر با سیاست خود، کنیزانی را هم‌خوابه او میکند و دامن خود را از این آلودگی پاک و میرا میکند و اینگونه به خسرو پاسخ میدهد:

جوابش داد شکر کای جوانمرد
چه پنداری کزین شکر کسی خورد؟
به ستاری که ستر اوست پیشم
که تا من زنده‌ام بر مهر خویشم
نه کس با من شبی در پرده خفته است
نه دَرَم را کسی در دَور سفته است
کنیزان منند اینان که بینی
که در خلوت تو با ایشان نشینی
دُری کو را بود مهر خدایی
دهد ناسفتگی بر وی گواهی
(خسرو و شیرین: ۲۸۳-۲۸۴)

خودکنترلی فرهاد: فرهاد، عشقی پاک به شیرین دارد. این موضوع در قسمتهایی از داستان و ارتباط فرهاد با شیرین در کندن جوی شیر مشخص است. برای نمونه، صحنه‌ای را که شیرین میخواهد ببیند کار کندن جوی به کجا رسیده، میکاویم. شیرین، سوار بر اسبش در مسیر بازگشت از کوه بر زمین میخورد و اسبش سقط میشود.

نه اسب ار کوه زر بودی ندیمش
سقط گشتی به زیر کوه سیمش
چنین گویند کاسب بادرفتار
سقط شد زیر آن گنج گهربار
چو عاشق دید کان معشوق چالاک
فرو خواهد فتاد از باد بر خاک
به گردن اسب را با شهسوارش
ز جا برداشت وآسان کرد کارش
(همان، ۲۵۳)

توانمندی احتیاط و دوراندیشی: دوراندیشی باعث میشود افراد، پیامد کنش‌های خود را پیش‌بینی و دربارهٔ این پیامدها قضاوت کنند. فرایندهای دوراندیشی به منظور هدفگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی برای انجام دادن کار به وجود می‌آیند (رفیعی هنر، ۱۳۹۵: ۱۴۸). شخص دوراندیش، کاری انجام نمیدهد که پشیمانی به بار آورد. دوراندیشی، به معنای انتظار کشیدن تا روشن شدن تمامی موارد عملی پیش رو میباشد. برای افراد دوراندیش، آینده و تأمل در کارها مهم است. آنها بخوبی در مقابل تکان‌ها در مورد اهداف کوتاه‌مدت، بخاطر رسیدن به موفقیت‌های بلندمدت‌تر مقاومت میکنند» (سلینگمن، ۱۳۹۸: ۱۹۸).

احتیاط و دوراندیشی مهین بانو: بعد از اینکه شیرین و خسرو اولین بار همدیگر را میبینند، مهین بانو، که گوهری پاک دارد، میندیشد که آن دو مانند آتش و خاشاک هستند و هر لحظه ممکن است شکیبایی خود را از دست بدهند و کاری کنند که بعد از آن پشیمان شوند. او با افق دید وسیع و پیش‌بینی مسائلی که بعداً ممکن است پیش آید، برای رخدادهای احتمالی آینده چاره‌اندیشی میکند و به شیرین هشدار میدهد.

دراندیشید از آن دو یار دلکش	که چون سازد به هم خاشاک و آتش
به شیرین گفت کای فرزانه فرزند	نه بر من بر همه خوبان خداوند
تو گنجی سر به مهری نابسوده	بد و نیک جهان ناآزموده
چنانم در دل آید کاین جهانگیر	به پیوند تو دارد رای و تدبیر
گر این صاحب جهان دلدادۀ توست	شکاری بس شگرف افتادۀ توست
ولیکن گرچه بینی ناشکیبش	نبینم گوش داری بر فریش

(خسرو و شیرین: ۱۱۹)

احتیاط و دوراندیشی خسرو: مدتی پس از ازدواج خسرو با مریم، شیرین هوای دیدار خسرو به سرش میزند و به مداین میرود و خسرو به کمک شاپور از ورود او مطلع میشود. هرچه خسرو سعی میکند مریم را متقاعد کند تا شیرین را ببیند، تأثیری ندارد. با دلایلی که مریم می‌آورد، خسرو مجاب میشود که این دو جفت نمیتوانند با هم کنار بیایند.

یقین شد شاه را چون مریم این گفت	که هرگز درنسازد جفت با جفت
سخن را از در دیگر بنی کرد	نوازش مینمود و صبر میکرد
از آن بازیچه حیران گشت شیرین	که بی او چون شکبید شاه چندین؟
دلش دانست کان نز بیوفاییست	شکیبش بر صلاح پادشاهیست

(همان، ۱۹۷-۱۹۸)

توانمندی فروتنی: فروتنی یکی دیگر از توانمندی‌های فضیلت شجاعت است. «تعریف فروتنی آن است که شخص در حالی که دستاوردها و موقعیت‌های بالایی دارد، خود را پایین ارزیابی کند. بر این اساس مؤلفهٔ اصلی فروتنی آن است که فرد متواضع باور دارد که خودش، دستاوردهای خاص او و یا بطور کلی همهٔ دستاوردهایش دارای ارزش کمی است» (جاهد و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲). همکاری، صلح، مسئولیت، صداقت و خیلی از اصول دیگر برای زندگی انسانی، بدون فروتنی کامل نمیشوند. مسئولیت‌پذیری بدون فروتنی پس از مدتی به توقع و انتظار داشتن از دیگران تبدیل میشود. همکاری بدون فروتنی میتواند به وابستگی بینجامد. فروتنی، آگاهی به همهٔ توانایی‌های خود بدون احساس غرور و خودپسندی است» (یوسفی، ۱۳۸۴: ۵).

فروتنی یکی از قابلیت‌های مهم در روانشناسی مثبت‌نگر است و خود را فرد خاص و مهمی تصور نکردن و یک سر و گردن از دیگران برتر ندانستن، موجب ارزشمندی وجود انسانهاست. «با این توانمندی، فرد به دنبال مطرح کردن خود نیست. موفقیت‌های افراد معرّف آنهاست. فرد متواضع، الهامات، موفقیت‌ها و شکست‌های خود را به یک اندازه بی‌اهمیت میداند. در یک مقیاس وسیع، موفقیت‌ها یا ناکامیها چندان باارزش نیستند. فروتنی ناشی از این باور، فقط یک نمایش نیست، بلکه پنجره‌ای به درون وجود انسانهاست» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۱۹۹).

فروتنی خسرو نسبت به مهین‌بانو: خسرو بعد از مرگ بهرام چوبین سخنان حکمت‌آمیزی را بیان میکند. از نظر او انسانهای زیادی در این دنیا فریب قدرت و ثروت خود را میخورند و بهرام مانند ماهی در دام گذاشته‌ای است برای صید. بهرام اگرچه بر تخت سلطنت تکیه داد و قدرت و شوکتی فراهم ساخت، اما سرانجام بر تخته چوب این تابوت جای گرفت. چه بسیار انسانهای فرزانه‌ای که زاده انسانهای بزرگی نیز هستند، اما فریب انسانهایی چون بهرام را میخورند و چه بسیار جوانانی که به دام روباہ‌صفتان پیر گرفتار میشوند. مسئله مهلک دیگری که خسرو به آن اشاره میکند، غرور بیجای انسانهاست.

اگر بهرام گوری رفت ازین دام	بیا تا بنگری صد گور بهرام.
بسا گرگ جوان کز روبه پیر	به افسون بسته شد در دام نخجیر
از آن بر گرگ روبه راست شاهی	که روبه دام بیند، گرگ ماهی
بسا شه کز فریب یافه‌گویان	خصومت را شود بی‌وقت جویان
سرانجام از شتاب خام تدبیر	به جای پرنیان بر دل نهد تیر
ز مغروری کلاه از سر شود دور	مبادا کس به زور خویش مغرور

(خسرو و شیرین: ۱۸۶)

فروتنی خسرو نسبت به شیرین: خسرو در مقابل شیرین هم رفتاری فروتنانه دارد؛ اگرچه با سرسختیهای شیرین گاهی به قهر، او را ترک میکند؛ اما بخاطر علاقه‌ای که به او دارد، دوباره خاکسارانه با او برخورد میکند. در صحنه‌ای که بیخبر به دیدن شیرین میرود و شیرین در بیرون قصر از او پذیرایی میکند، در گفتگویی زیبا هم او را ستایش میکند و هم متواضعانه التماس.

من این خواری ز خود بینم نه از تو	گناه از بخت بد بینم نه از تو
بکن چندان که خواهی ناز بر من	مزن چون رانندگان آواز بر من
اگر بر من به سلطانی کنی ناز	بگو تا خط به مولایی دهم باز

(خسرو و شیرین: ۳۱۲)

فروتنی شیرین نسبت به خسرو: خسرو به بهانه شکار به سمت کاخ شیرین میرود. به دستور شیرین، کنیزان، بیرون از قصرش سراپرده باشکوهی را برای او آماده میکنند. وقتی خسرو علت پذیرایی خارج از قصر را از شیرین میپرسد، اینگونه پاسخ میشوند:

من از عشقت برآورده فغانی	به بامی بر چو هندو پاسبانی
من آن ترک سیه‌چشمم بر این بام	که هندوی سپیدت شد مرا نام
وگر بالای مه باشد نشستم	شهنشه را کمینه زیردستم
نه مهمانی تویی باز شکاری	طمع داری به کبک کوهساری

وگر مهمانی اینک دادمت جای من اینک چون کنیزان پیش بر پای
(همان، ۳۰۷)

فضیلت استعلا

در روانشناسی مثبت‌نگر منظور از استعلا، قابلیت‌های هیجانی است که به بیرون از ما و فراتر از ما و برای پیوند دادنمان با چیزی بزرگتر و جاودانتر مانند مردم، آینده، تکامل، ذات الهی، یا کائنات بسط پیدا میکنند. تعالی یک واژهٔ رایج در سراسر طول تاریخ نیست و این فضیلت با قابلیت‌های هفتگانه‌ای چون درک زیبایی و کمال، قدردانی، امید و خوش‌بینی، معنویت و ایمان، بخشودن و گذشت، سرزندگی و خوش‌طبعی، و شور و اشتیاق، قابل حصول است (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۲۰۰). این مفاهیم در متون ما در دایرهٔ وسیع دانش‌های اخلاقی قرار میگیرند که هدف آن ساختن انسان کمال‌طلب و آرمانی و موضوعش نشان دادن راه و روشی به انسان برای رسیدن به سعادت و رضامندی است» (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۵۰). ما باور داریم آنچه تعالی است باید مقدس باشد؛ اما لزوماً نباید آسمانی باشد؛ بنابراین تعالی ممکن است موضوع یا شخصی زمینی باشد که الهامبخش احترام یا حتی قدردانی است؛ یعنی هرآنچه نگرانی روزمرهٔ ما را کم‌اهمیت جلوه دهد و خودمان را در مقابل عظمت او حقیر جلوه دهد. به عبارت دیگر، استعلا، آن است که به ما یادآوری کند چقدر حقیریم؛ اما در عین حال، ما را از احساس پوچی کامل برهاند» (سلیگمن و پیترسون، ۱۳۹۵: ۷۲).

توانمندی امید و خوش‌بینی: یکی از توانمندی‌های فضیلت استعلا، امید و خوش‌بینی است که شکوفایی توانمندی امید و خوش‌بینی موجب معنادار بودن زندگی و داشتن حس خوبی به آینده میشود. امید، اساس زندگی مؤثر و یکی از عوامل دستیابی به اهداف در کنار ممارست، تلاش و پشتکار است. امید باعث ایجاد توانایی در عدم تأثیرپذیری از مشکلات و موجب گشایش فرصت‌های جدید میشود و امید واقعی بر پایهٔ واقع‌بینی دربارهٔ امور است. در روانشناسی مثبت هم امید، خوش‌بینی و آینده‌نگری، خانواده‌ای از قابلیت‌ها هستند که نشان‌دهندهٔ موضع مثبت نسبت به آینده میباشند. انتظار وقوع این رویدادهای خوب، احساس اینکه آنها در صورت تلاش جدی ما محقق خواهند شد و برنامه‌ریزی آینده، موجب شادی پایدار شده، یک زندگی هدفمند را سبب میشود (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۲۰۲). «شخص امیدوار، خوش‌بینی، تصور کنترل بر زندگی، توانایی حل مسئله، ترجیح به رقابت (اما نه صرفاً برای پیروزی)، عزت نفس بالا و هیجان‌پذیری (تمایل عاطفی مثبت) را دارد» (ریک اسنایدر، ۱۳۹۷: ۷۵).

امید و خوش‌بینی شیرین: بعد از مرگ مریم -همسر خسرو- شیرین، تعزیت‌نامه‌ای به خسرو مینویسد و درگذشت او را تسلیت میگوید. در حالی که در این مرحله روابط بین خسرو و شیرین به تیرگی گراییده بود. ولی خسرو بعد از مرگ فرهاد از راه طنز به شیرین، نامه مینویسد. محتوای این دو نامه متفاوت است. خسرو با از میدان به در کردن رقیب، سرمست است و شیرین، غمخواری است که خواهان کاستن اندوه خسرو است. ابیات زیر، گفتار خسرو به شیرین در خصوص مرگ فرهاد است:

تو صبحی و او چراغ، ار دل پذیرد چراغ آن به که پیش از صبح میرد
تو هستی شمع و او پروانهٔ مست چو شمع آید رود پروانه از دست
(خسرو و شیرین: ۲۶۵)

امید و خوشبینی شاپور: نقش مؤثر شاپور را هم در امید و انگیزه دادن به خسرو و هم به شیرین بسیار پررنگ مبینیم. او یاور خلوت‌های یأس‌آلود خسرو و زایندهٔ دلشوره‌های شیرین است. بعد از صحبت‌های طولانی خسرو با شیرین در دفاع از خود و توجیه اتفاقاتی از قبیل ازدواج با مریم و شکر و جواب‌های شیرین و به نتیجه نرسیدن

دلایلشان، خسرو در حالی که بسیار پشیمان و غمگین بود، از قصر شیرین می‌رود. شاپور با دیدن حال او با سخنانی که حاصل تجربه و گذر روزگار بر اوست، خسرو را آرام می‌کند. سخنان او که رنگ و بوی امید دارد، دل خسرو را شاد می‌کند.

عروسی کی بود بی‌رنگ و بی‌بوی	همه خوبان چنین باشند بدخوی
نه دور است او ولی دانم صبور است	چه پنداری که او زین غصه دور است؟
گهی باشد عزیز گاه خواری	همه ساله نباشد کامکاری
که بر وی هر که را خواهد نشاند	به صبرش عاقبت جایی رساند
بخندد صبح چون شب تار گردد	گشاید بند چون دشوار گردد
مراد شه بدین زودی برآید	امیدم هست کاین سختی سرآید
خرابی را به رفق آباد می‌کرد	بدین وعده ملک را شاد می‌کرد

(خسرو و شیرین: ۳۴۹-۳۵۰)

توانمندی بخشودن و گذشت: بخشش و گذشت یکی از توانمندی‌های فضیلت استعلا است. «بخشودن به معنی رهایی یافتن از خشم، عصبانیت و ناکامی است که در نتیجه اعمال فردی دیگر احساس می‌کنیم. ما در صورت بخشودگی فرد دیگر، گذشته را تغییر نمی‌دهیم؛ بلکه آینده را تغییر می‌دهیم. از سوی دیگر وقتی طرف مقابل را مورد بخشش قرار می‌دهیم، امکان سلامت و بهبود را برای خود فراهم می‌سازیم» (هسن، ۱۳۹۸: ۱۳۱). بخشودن و بخشش، فضیلتی اخلاقی در برابر خطای دیگران و قابل آموزش و یادگیری است. هرچند انتقام گرفتن، پاسخ طبیعی انسان در برابر خطاهای دیگران است، آدمی با بخشودن می‌تواند از سلامت روان خود مراقبت کند. روانشناسان، بخشش را فرایند گذشتن از خطای دیگران میدانند که با انگیزه‌هایی مانند آرامش درونی، بهبود روابط با فرد خاطی یا انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد. (اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۸: ۳۴). وقتی دیگران را می‌بخشیم به آزادی دست می‌یابیم و دیگر افکار آزاردهنده نمی‌توانند ما را اسیر خود کنند که دائم به آنها فکر کنیم. «بخشودن یعنی به احساسات خود کمک کردن. بخشودن به این معناست که بگوییم نمیتوانی به من آسیب بزنی، نمیتوانی دلم را سرد کنی تا در ارزشهایم تجدید نظر کنم. این من هستم که انتخاب می‌کنم. نمیتوانی احساسات مرا انتخاب کنی. من به تو این قدرت را نمی‌دهم» (مک‌گرا، ۱۳۸۵: ۱۷۲). بخشودن و گذشت شیرین: شیرین پس از برپا کردن سراپرده و پذیرایی از خسرو در بیرون قصرش به سخنان خسرو گوش می‌دهد. خسرو سخن را آغاز می‌کند و از روی ندامت، مهربانی و به دست آوردن دل شیرین، سعی در بهبود رابطه خود با او دارد.

درم بگشای و راه کینه در بند	کمر در خدمت دیرینه در بند
-----------------------------	---------------------------

(همان، ۳۳۷)

بخشودن و گذشت هرمز: خسرو پس از اتفاق عشرت در مرغزار و ظلم روا داشتن به پیرمرد صاحبخانه و تباه کردن کشتزار او و محصول باغش، پیران را شفیع خود قرار می‌دهد. او می‌فهمد کاری که انجام داده است ناپسند و برخلاف عدالت و انصاف بوده است.

کفن پوشید و تیغ تیز برداشت	جهان فریاد رستاخیز برداشت
به پوزش پیش میرفتند پیران	پس اندر شاهزاده چون اسیران
چو پیش تخت شد نالید غمناک	به رسم مجرمان غلتید بر خاک
که شاها بیش از اینم رنج منمای	بزرگی کن به خردان بر ببخشای

(همان، ۴۵-۴۶)

توانمندی درک زیباییها و کمال: درک زیباییها بدون داشتن ذهن و اندیشه‌ای زیبا و پاک امکانپذیر نیست. فردی که به زیباییهای اطرافش توجه میکند، این زیباییها را نه بصورت کلی، بلکه در جزئیترین مظاهر طبیعت، محیط اطراف و امور انسانی و فضایل اخلاقی، درک میکند و میباید. از نظر سلیگمن «انسان با وجود این توانمندی، قادر است کمال و مهارت را در تمام زمینه‌ها درک کند: در طبیعت و در هنر، در ریاضی و در علم و همچنین در امور روزمره و مشاهدهٔ جزئی و مهارت در زیباییهای اخلاقی در کارهای انسانی یا فضائل انسانی، همچنان شکوه را، که ارتباط نزدیکی با درک زیبایی دارد، برمی‌انگیزد» (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۲۰۰).

درک زیباییها و کمال خسرو: خسرو بعد از مرگ بهرام، در بین بزرگان سخنرانی میکند و آنها را به چشم‌پوشی از عیوب دیگران دعوت میکند. اگرچه در وجود همهٔ انسانها میل به زیباییها و خیر و نیکی و پرهیز از زشتیها وجود دارد تا انسان به سمت نیکی حرکت کند، توانایی زیبا دیدن امور به ظاهر زشت، در وجود هر کسی نیست. باید دیدهٔ زیبابین داشت تا نازیباییها را زیبا دید. سخنان حکیمانهٔ خسرو و تمثیلهای او نشان از اهمیت این موضوع است.

ز هنر بیند به عیب نه کم حفاظ	عیب چو عیب خویش ز آینه‌ای آینهٔ این	نیکمردم این چشم یک دیده در عیبجویی یک هنر	دیده بردوز چشم جاسوس دیده عیبجویی بس	هنر دیدن ز چشم دیگران آینه رها کن کس نگوید غیبت کس	ز چشم بین نه صدد کن نگوید غیبت کس
--	---	---	---	--	--

(خسرو و شیرین: ۱۸۹)

درک زیباییها و کمال شیرین: وقتی خسرو با وجود ازدواج با مریم، باز شاپور را به طلب شیرین به ارمن میفرستد، شیرین اگرچه کار خسرو را نمیپسندد، اما به جنبه‌های مثبت وجود خسرو توجه دارد و به فضایل شخصیت او توجه میکند. شیرین در جواب پیغام شاپور میگوید:

زمینم چو وصلش بود	من به از هجران را	قدر، او چه ترسم؟ غم	آسمان وار چه ترسم؟ بار	زمین را تنی نازنده تهیدست	کی بود از زندان ایمن است
-------------------------	-------------------------	---------------------------	------------------------------	---------------------------------	--------------------------------

(همان، ۲۰۵)

توانمندی قدردانی: «سیسرو میگوید: شکر نه تنها بزرگترین فضیلت اخلاقی است، بلکه مادر فضایل است. بودا گفته قدردانی، مرکزیت انسان شریف است. در واقع توافق در میان ادیان جهانی و نویسندگان اخلاقی بر این است که افراد باید نسبت به بهره‌هایی که دریافت میکنند، احساس و بیان و تشکر داشته باشند» (اشنایدر و لوپز، ۱۳۹۰: ۵۲).

قدردانی شیرین نسبت به فرهاد: وقتی فرهاد برای شیرین، حوض و جوی شیر را ساخت، به شیرین خبر رساندند که کار ساخت جوی به اتمام رسیده و شیرین برای بازدید به سوی دشت آمد.

بلی بسی چو زحمت	باشد دست فرهاد دور شد،	ز کار آدمی آفرین کرد نزدیک خواندش	دور کرد خواندش	جوی شیر که رحمت ز نزدیکان	و جوی بر چنان خود برتر
-----------------------	------------------------------	---	----------------------	---------------------------------	------------------------------

(خسرو و شیرین: ۲۲۱)

قدردانی خسرو نسبت به شاپور: شاپور هم ندیم و رازدار و محرم خسرو است و هم غمخوار و یاریگر شیرین. در جای‌جای داستان شاهد فرزانه‌ها، خردورزیها و رای‌زنیهای صادقانه و خالصانهٔ او با خسرو و شیرین هستیم. در

پایان هم هنگام وصل خسرو و شیرین، خسرو با اهدای یکی از ندیمه‌های زیباروی شیرین به او، به نام «همایون»، از او قدردانی میکند. سپس مُلک و فرمانروایی ارمن را با تشریف و منشور به او میبخشد.

همایون را به شاپور گزین داد طبرزد خورد و پاداش انگبین داد
 پس آنگه داد با تشریف و منشور همه ملک مهین‌بانو به شاپور
 (همان، ۳۹۴)

نتیجه‌گیری

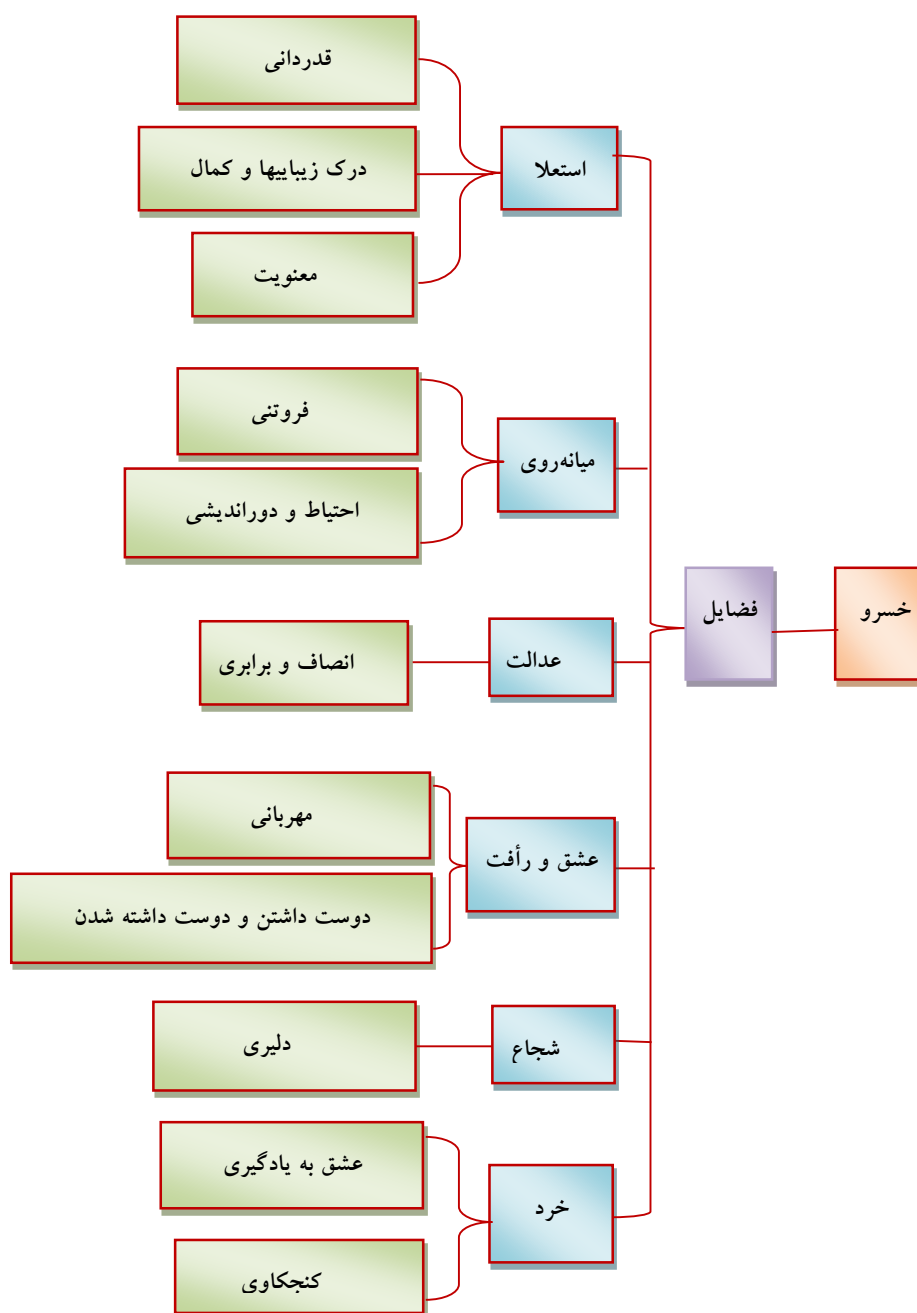
از آنجا که در این داستان، رابطه عاشقانه بسیار ملموس است؛ بطوری که زندگی طرفین به یکدیگر وابسته است، فضیلت عشق و رأفت در دو شخصیت عاشق و معشوق، پررنگ و برجسته است. در این تحقیق با تسامح، واژه «عاشق» را درباره مرد و واژه «معشوق» را درباره زن به کار میبریم؛ به این دلیل که جایگاه دقیق و واقعی عاشق و معشوق، مشخص نیست. شیرین هم شیفته خسرو است و به اندازه خسرو میتواند عاشق محسوب شود. فضیلت عشق و توانمندی دوست داشتن و دوست داشته شدن در خسرو نسبت به شیرین بارز است، اما او با کامجویی از مریم، شکر و دیگر کنیزانش، به شادی و هیجان ناشی از این رابطه‌ها دست مییابد و در واقع این همان رویکرد لذت‌طلبی محض است؛ اما علاوه بر این مرحله از زندگی او، شاهدیم که به فضایی چون خرد و دانش، شجاعت، عدالت، میانه‌روی، استعلا و توانمندی‌هایی چون علاقه به یادگیری، دلیری، فروتنی، مهربانی، دوراندیشی، انصاف و برابری، معنویت، بخشودن و گذشت و توانایی درک زیباییها نیز آراسته است. شخصیت خسرو در این مرحله ثابت نیست و نمود این رشد را در تکامل شخصیت او و وصال با شیرین هم شاهدیم. در مورد او میتوان گفت عشق، نقش والايش‌دهنده را برای او داشته است؛ بطوری که از سطحی پایین، او را به سطحی بالا میکشاند و موجب تعالی شخصیت او میشود.

شیرین نیز به فضیلت عشق و رأفت و توانمندی‌های دوست داشتن و دوست داشته شدن و مهربانی، آراسته است. او در زمان جدایی از خسرو با بهره‌مندی از توانمندی‌های معنویت و خویشتنداری و با تداعی دیدارهای کوتاهی که با خسرو داشت، همچنين با امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده و وصال دائمی، به نشاط دست مییابد. شیرین با برخورداري از فضایی چون خرد و دانش، شجاعت، میانه‌روی، عدالت، استعلا و توانمندی‌هایی مانند خودکنترلی، فروتنی، بخشودن و گذشت، توانایی درک زیباییها و کمال، انصاف و قضاوت و تفکر انتقادی، توانست با دستیابی به رضایت‌مندی، به حد قابل قبولی از رشد و تکامل برسد. البته با نگاهی منصفانه، تلاش نظامی را در شکل آرمانی دادن به شخصیت شیرین نادیده نمیگیریم و در فرایند داستان بوضوح شاهد تکامل او در همه جوانب هستیم. او در لحظه لحظه ارتباط با خسرو، هم از خوشیهای ارتباط با او در چارچوبی که برای خود طراحی کرده بود، به شادی دست یافت و هم از دیگر مواهب مانند لذتهای ناشی از اسب‌سواری و چوگان و نشاط با کنیزان خود و گردش در صحرا و از لذت مصاحبت با مهین‌بانو و تأثیر پذیرفتن از اندرزها و شخصیت مثبت او بهره برد و با تکیه بر فضایل و توانمندی‌های شخصی خود در جهت رسیدن به امر مطلوبی که در نظر داشت، توانست در مسیر کمالجویی به سطح بالایی دست یابد. همین امر موجب شد خسرو از ویژگیهای مثبت شیرین، تأثیر پذیرد.

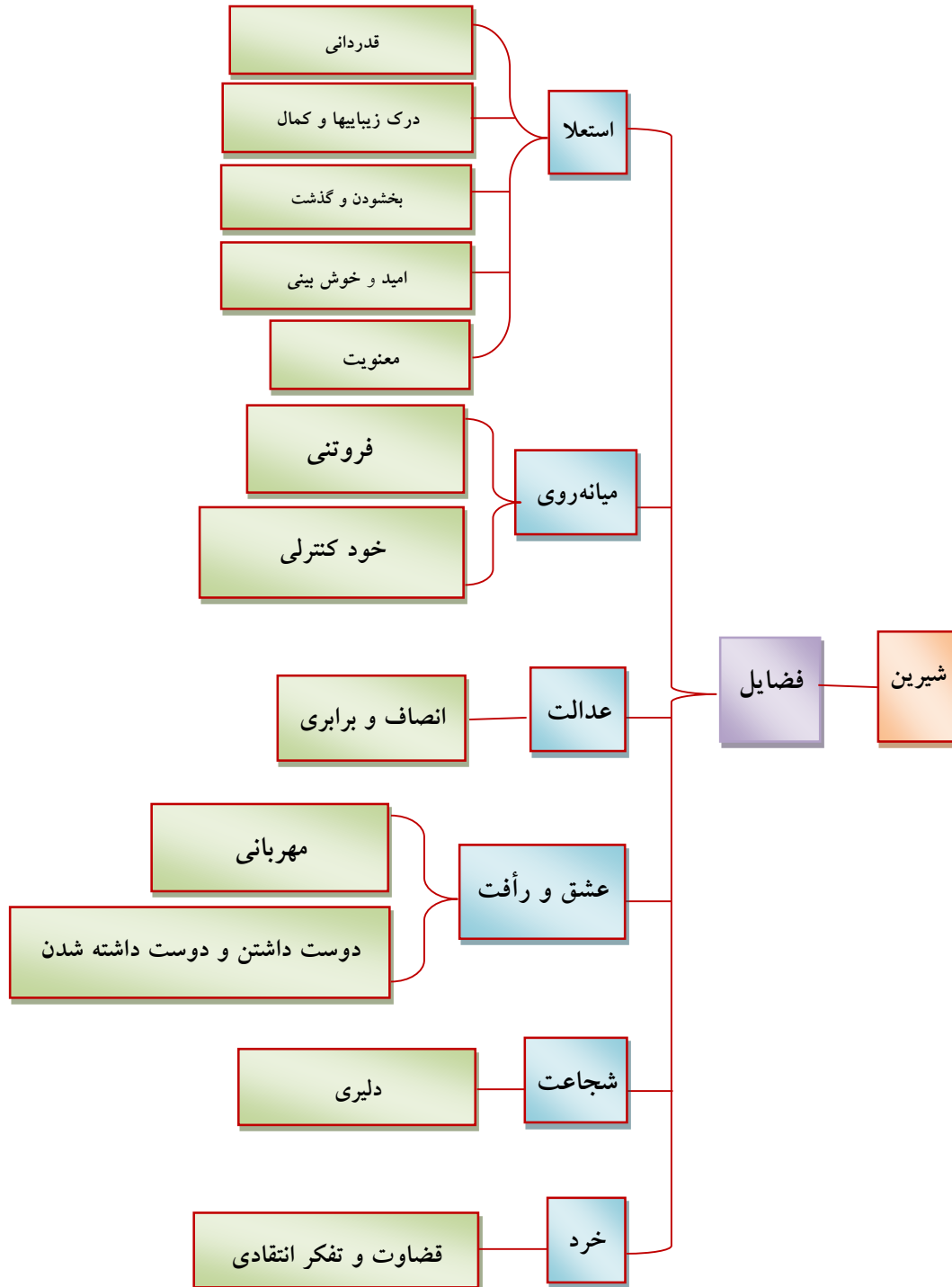
سایر شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین مانند مهین‌بانو در توانمندی‌های قضاوت و تفکر انتقادی، مهربانی، دوراندیشی و رهبری به فضیلت‌های خرد، عشق، میانه‌روی و عدالت نائل میشوند و تأثیر بسزایی در شکوفایی شخصیت شیرین دارند. شاپور با تکیه بر توانمندی‌های امید و خوش‌بینی و رهبری به فضیلت استعلا و عدالت دست مییابد و نقش مهمی را در برقراری این پیوند ایفا میکند. فرهاد با توانمندی‌های پشتکار، پاکدامنی و دوست داشتن به فضایل شجاعت، میانه‌روی و عشق، آراسته میشود و هرگز با توانمندی‌های بخشودن و گذشت و امید و خوش‌بینی به فضیلت استعلا دست نمییابد. شکر نیز با توانمندی خودکنترلی در فضیلت میانه‌روی برجسته است و بزرگ‌امید

با توانمندی ابتکار و هوش عملی به فضیلت خرد و دانش نائل میشود. این اشخاص اگرچه فرعی هستند و در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند، تا اندازه‌ای به خسرو و شیرین در راه رشد و تعالی یاری رساندند.

نمودار فضائل و توانمندیهای خسرو



نمودار فضائل و توانمندیهای شیرین



مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز استخراج شده است. آقای دکتر کامران پاشایی فخری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم مریم ذاکری بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر پروانه عادل‌زاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیهٔ موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Carr, Alan. (2011). Positive psychology. Translat by Hassan Pasha Sharifi and Ja'far Najafi Zand. Tehran: Sokhan.
- Compton, William. C. and Hoffman, Edward. (2017). Positive psychology (the science of happiness and prosperity). Translators: Sohrab Amiri and colleagues. first volume. Tehran: Ava-ye- Noor.
- General Department of Educational Affairs and Counseling of the Ministry of Education. (2017). Virtue of courage, bravery, honesty. Tehran: Monadi Tarbiat Cultural Institute.
- Hadidi, Mehri. (2015). Two wings of flight (examination of intellect and love in the masnavis of Khosrow and Shirin). Esfahan: Darghvin.
- Hessen, Gil. (2018). positive thinking. Translated by Akram Khamsa. Tehran: Arjmand.
- Heydari, Maryam. (2000). Psychology of group dynamics. Esfahan: Mehr Gha'em.
- Moggi, Morteza. (2011). Mental health in love. Tehran: Be'sat.
- Nizami, Elias. (2005). Khosrow and Shirin. Corrected by Vahid hasan dastgerdi. Sixth edition. Tehran: Qatre.
- Pirani, Mansour. (2012). "A look at Hafez's poetry with Martin Seligman's positive psychology approach". *The 7th Persian Language and Literature Research Conference*. March, PP. 338-357.

- Rafie Honar, Hamid. (2015). Psychology of self-control with Islamic attitude. Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Rick Snyder, Charles. (2017). The psychology of hope. Translated by Farshad Bahari. Tehran: Danje.
- Sa'ati, Thomas L. (2007). Creative thinking, problem solving and decision making. Translated by Majid Azizi and Reza Naqdi. Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute.
- Safari, Jahangir & Hosseini, Mojtaba. (2009). "Shapur's image in Khosrow and Shirin's poems". *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman - Persian literature and language*. new course. No. 26 consecutive 23. Winter, pp. 203-231.
- Schneider, CR and Lopez, Shin-J. (2011). Spirituality and positive psychology. Translated by Razie Tabaian and colleagues. Esfahan: Kankash.
- Seligman, Martin and Peterson, Christopher. (2015). Virtues and abilities of character. Esfahan: Yarmana.
- Seligman, Martin. (2000). A positive child. Translated by Nahid Iran-Najad. Tehran: Dayere.
- Shahidi, Shahriar. (2009). Psychology of happiness. Tehran: Qatre.
- Vincent Peel, Norman. (1996). The miracle of will. Translated by Vajihe Azarmi. second edition. Tehran: Publications of parents and educators of the Islamic Republic of Iran.
- West, William. (2009). Psychotherapy and spirituality. Translated by Shahriar Shahidi and Ali Shirafkan. Third edition. Tehran: Roshd.
- Yousefi, Nasser and Yousefi, Shohreh. (2005). Humility, Tehran: Ofoq.

فهرست منابع فارسی

- اداره کل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۷). فضیلت شجاعت، شهامت، صداقت. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- اشنایدر، سی آر و لویز، شین جی. (۱۳۹۰). معنویت و روانشناسی مثبت. ترجمه راضیه طبائیان و همکاران. اصفهان: کنکاش.
- پیرانی، منصور. (۱۳۹۲). «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روانشناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن». هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. اسفند، صص ۳۳۸-۳۵۷.
- حدیدی، مهری. (۱۳۹۵). دو بال پرواز (بررسی عقل و عشق در مثنوی خسرو و شیرین). اصفهان: دارغوبین.
- حیدری، مریم. (۱۳۷۹). روانشناسی پویایی گروه. اصفهان: مهر قائم.
- رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۵). روانشناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی. تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ریک اسنایدر، چارلز. (۱۳۹۷). روانشناسی امید. ترجمه فرشاد بهاری. تهران: دانژه.
- ساعتی، توماس ال. (۱۳۸۶). تفکر خلاق، حل مشکل و تصمیم‌گیری. ترجمه مجید عزیزی و رضا نقدی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- سلیگمن، مارتین و پیترسون، کریستوفر. (۱۳۹۵). فضایل و توانمندی‌های شخصیت. اصفهان: یارمانا.
- سلیگمن، مارتین (۱۳۷۹). کودک مثبت‌گرا. ترجمهٔ ناهید ایران‌نژاد. تهران: دایره.
- شهیدی، شهریار. (۱۳۸۸). روانشناسی شادی. تهران: قطره.
- صفری، جهانگیر و حسینی، مجتبی. (۱۳۸۸). «سیمای شاپور در منظومهٔ خسرو و شیرین». نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان- ادب و زبان فارسی. دورهٔ جدید. شمارهٔ ۲۶ پیاپی ۲۳. صص ۲۰۳-۲۳۱.
- کار، آلان. (۱۳۹۱). روانشناسی مثبت. ترجمهٔ حسن‌پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: سخن.
- کامپتون، ویلیام، سی و هافمن، ادوارد. (۱۳۹۷). روانشناسی مثبت (علم شادمانی و شکوفایی). ترجمهٔ سهراب امیری و همکاران. جلد اول. تهران: آوای نور.
- منطقی، مرتضی. (۱۳۹۰). بهداشت روانی در عشق. تهران: بعثت.
- نظامی، الیاس. (۱۳۸۴). خسرو و شیرین. تصحیح وحید حسن دستگردی. چاپ ششم. تهران: قطره.
- هسن، گیل. (۱۳۹۸). تفکر مثبت. ترجمهٔ اکرم خمسه. تهران: ارجمند.
- وست، ویلیام. (۱۳۸۸). رواندرومانی و معنویت. ترجمهٔ شهریار شهیدی و علی شیرافکن. چاپ سوم. تهران: رشد.
- وینسنت پیل، نرمان. (۱۳۷۵). معجزهٔ اراده. ترجمهٔ وجیهه آزر می. چاپ دوم. تهران: انتشارات اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- یوسفی، ناصر و یوسفی، شهره. (۱۳۸۴). فروتنی. تهران: افق.

معرفی نویسندگان

- مریم ذاکری:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: neda.yans.2016@gmail.com)
- کامران پاشایی فخری:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: pashaei@iaut.ir: نویسنده مسئول)
- پروانه عادل‌زاده:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(Email: adelzade@iaut.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

- Maryam Zakari:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: neda.yans.2016@gmail.com)
- Kamran Pashei Fakhri:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: pashaei@iaut.ir: Responsible author)
- Parvaneh Adelzadeh:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
(Email: adelzade@iaut.ir)